

چالش رسانه‌ها در عدم التفات کودک و نوجوان به ادبیات ویژه آنان

اکرم نعیمی^۱

وحید علی بیگی سرهالی^۲

چکیده

در دنیای کنونی، ادبیات کودک و نوجوان به نوعی غربت‌زدگی و بیگانگی گرفتار آمده است به آیینی که امروزه توجه به آن بسیار کمتر از آن‌انی است که باید باشد. تصوّر می‌رود این عدم عنایت به ادبیات کودک و نوجوان، از عواملی نظیر تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی، اینترنت، ماهواره و رسانه‌های گروهی نشأت گرفته و روندی رو به رشد به خود گرفته است. آن‌چنانی که امروزه کودکان و نوجوانان به ادبیات خاص خودشان رغبت چندانی نشان نمی‌دهند. این نکته موجب چالش‌هایی در زمینه تعلیم و تربیت شده است. برای رهایی از این چالش که فرا روی ادبیات کودک و نوجوان قرار دارد، راهکارهای بسیاری وجود دارد که نگارندگان برآنند در این پژوهش به طریق توصیفی-تحلیلی آن را مورد بررسی و مذاقه قرار دهند. افزون بر آسیب‌شناسی این معضل که در مسیر ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد، راهکارهایی را بیان دارند که در آن راههای ممکن جذب کودکان و نوجوان به ادبیات را فرا سوی مخاطبان قراردهد. به این امید که با بهره‌گیری از دستاوردهای مفید پژوهشی در باب کودک و نوجوان، به ارائه راهکاری بپردازد که بتواند تمامی جنبه‌های تربیتی و علائق این آینده‌سازان را دربرداشته باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برای ایجاد علاقه و رغبت در کودکان به مطالعه ادبیات ویژه خودشان در مسیر صحیح دستگاه‌های مسئول نظیر، شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، نهاد کتابخانه‌ها، و آموزش و پرورش باید به جدیت بیشتری در این رویکرد بپردازند و الگوسازی‌های مناسب از والدین شروع شود و با ایجاد کردن شغلی مجزا ویژه ادبیات کودک و نوجوان در پیشبرد این امر بکوشند و در پایان با برنامه‌ریزی‌های مناسب در ساخت و تهیه نرم‌افزارهای ادبی، رغبت این اقشار آسیب‌پذیر به ادبیات ویژه خود را بهبود ببخشند.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات غنایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک

:

^۲ مدرس دانشگاه فرهنگیان تهران و کرج -

.

واژگان کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، چالش‌های فرهنگی، راهکارهای ادبی، رسانه‌ها، عدم رغبت، راهکار.

پیشینه پژوهش.

پژوهش حاضر قدمی در پیشبرد توجه کودکان و نوجوانان به ادبیات ویژه آنان است و تا کنون در این مورد پژوهش جامعی صورت نگرفته است و نگارنده برآن است تا در این پژوهش چالشهای موجود بر سر راه ادبیات کودکان و نوجوانان مشخص کند و در پایان راهکارهایی برای نجات از این چالشها پیشنهاد شده است که این پژوهش در نوع خود بدیع و تازه است و این برای اولین بار است که چنین پژوهش جامعی در این حیطه صورت می‌گیرد.

روش تحقیق.

این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی – توصیفی صورت گرفته است و نگارنده در این تحقیق با استفاده از مشاهدات و مطالعاتی که انجام داده است این پژوهش را به سامان رسانیده است.

مقدمه

ادبیات کودک و نوجوان گونه‌ای از ادبیات است که جداسازی آن از بخش‌های دیگر ادبیات با سن مخاطبان آن انجام می‌شود. این نوع ادبی هنگامی پدید آمد که بزرگسالان متوجه شدند کودکان و نوجوانان به سبب گنجایش‌های شناختی و ویژگی‌های رشدی خود آمادگی پذیرش متن‌های سنگین را ندارند و به متن‌هایی نیاز دارند که پاسخگوی دوره رشد آنها باشد. «عده‌ای نیز، در تعریف ادبیات کودک، جوهر ادبی آن را انکار کرده و برای آن شأنی صرفاً ارتباطی قائل شده‌اند. از صاحبان چنین نظری، مثلاً، نیکولاس تکر و سید علی کاشفی را، در ایران، می‌توان نام برد» (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۰: ۱۹ - ۲۹). ادبیات کودک از دیرباز مورد مطالعه و کنکاش صاحبان علم بوده است و در صدد رشد و ترویج آن بوده‌اند. به طوری که جمعی از پژوهشگران ایرانی کهن‌ترین متن ادبی کودکان را درخت آسوریگ می‌دانند که متعلق به دوره پیش از اسلام است « (محمدی و قایینی، ۱۳۸۱: ۱۱). صرف‌نظر از زمان آغاز ادبیات کودک و نوجوان باید گفت که ادبیات کودک و نوجوان، یک پدیده

مهم و حیاتی برای جامعه امروز است و توجه به آن می تواند در پیشرفت و آینده هر جامعه ای نقشی اساسی ایفا کند. این ویژگی ادبیات کودک و نوجوان به گونه ای است که در فرانسه ژان ژاک روسو با کتاب امیل بر طبیعت کودک تکیه می کند و معتقد است «که تعلیم و تربیت باید مبتنی بر آن باشد» (فروغی، ۱۳۹۵: ۲۰۰)؛ و چنین نگرشی اهمیت ادبیات کودک را به خوبی روشن می کند.

در یک نگاه کلی، «ادبیات کودک و نوجوان از یک سو در حوزه تعلیم و تربیت روانشناسی کودک و از سوی دیگر در قلمرو مطالعات زبان و ادبیات جای می گیرد» (Erwin, 1983: 67)؛ و به همین دلیل است که توجه به همه این جوانب ضروری می نماید. «کودکان همچون یک عضو اجتماعی، مقامی کامل از آن خود ندارند و به آن ها به عنوان نامزدهای «بزرگ سالی» نگاه می شود که در فهرست انتظار پذیرش در جامعه بزرگ سالی باقی می ماند» (Dewey, 1916: 54). این اقشار کم سن و سال مستعد رفتارهای کنترل نشده ای هستند که جامعه در بروز آن ها شکل دهی خاصی ایفا می کند. افلاطون درباره کودکان می گوید «کودکان از همان روز که به دنیا می آیند دارای قوه خشم هستند و حال آنکه بعضی از آن ها هرگز صاحب عقل نمی شوند و اسیر امیال سرکش خود هستند» (افلاطون، ۱۳۹۳: ۲۵۲). می توان گفت که نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان قادرند هستند که این امیال سرکشی را را سامان دهی کنند و از آن در جهت مثبت بهره بردار نمایند.

در دنیای کنونی و در این مسیر پرپیچ خم تربیتی کودکان ادبیات است می تواند راهکارهای مناسب ارائه دهد؛ اما باید گفت که ادبیات کودک در دنیای کنونی به همان شیوه کلاسیک خود عمل میکند که دیگر در دنیای پیشرفته جوابگوی نیازهای این اقشار کم سن و سال و آسیب پذیر نیستند. به هر حال ادبیات کودک و نوجوان با هر نگرشی که در آن نهفته باشد باید اهداف والایی را دنبال می کند که برای نیل به آن به روش های کارسازی دست یازد. برای رسیدن به این اهداف گاهی شاعری به دنبال سرایش شعر برای کودکان می پردازد و این دیدگاه تنها به این معنی نیست که «شعر فقط بازگشت به کودکی باشد بلکه از این طریق بعضی وجوه شعر را تبیین شود». (امین پور، ۱۳۷۴: ۱۰). با این حال، اغلب متون نظری ادبیات کودک و نوجوان سرزمین ما از این نکته غفلت ورزیده و «این ادبیات را صرفاً «نوشته ها و سروده هایی» تصوّر کرده اند که با ارزش ادبی یا هنری و برای کودکان و نوجوانان پدید می آیند» (میرهادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ۱۶۴). درحالی که چنین دیدگاهی موردنقد است و ادبیات کودک و نوجوان، چیزی فراتر از این مقوله های شعری است. زیرا «در فرهنگ روان شناسی و

آموزش و پرورش، ادبیات کودکان به مجموعه آثار یا نوشته‌هایی (کتاب‌ها و مقالات) گفته می‌شود که به وسیله نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه می‌شود و در همه آن‌ها ذوق و سطح نضج کودکان مورد توجه است» (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۲۹).

با تعاریفی که درباره ادبیات کودک بیان کردیم باید گفت که اکنون ادبیات کودک و نوجوان در جامعه کنونی نه تنها دچار نوعی غربت‌زدگی و بیراهگی شده است و به مسیری غیر از مسیر اصلی خود هدایت شده حتی در بیشتر اوقات به فراموشی سپرده شده است؛ هرچند که در این میان خود جامعه بیشتر مقصر است. البته نباید تمام چالش‌ها را به رسانه مرتبط ساخت، هرچند رسانه‌ها نیز سهم عمده‌ای در این چالش دارند، اما باید گفت در کشور ما از ادبیات کودک و نوجوان حمایت کافی نشده است. همین امر باعث شده تا ادبیات کودک و نوجوان دستخوش تحولی چشمگیر نشود و صاحب‌نظران ادبی در این رشته ادبی از پشتوانه‌ای قوی برخوردار نباشند و گاهی هم تولید آن را منبعی برای درآمد‌زدایی به شمار آورند. لذا این عامل و عوامل رسانه‌ها و وسایل مختلف ارتباطی دست‌به‌دست هم داده و ادبیات کودک و نوجوان را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است که در این پژوهش از آن به عنوان چالش رسانه و ادبیات کودک یاد می‌شود. در ادامه این بحث راهکارهایی که تصور می‌رفت به حل این بحران کارآمد باشد، تبیین و تشریح شده است به این امید که راه‌حلی مفید و سازنده در این عرصه باشد.

۱. چالش رسانه و ادبیات کودک و نوجوان

نظام آموزشی ما، در عصر جهانی‌شدن، بحران‌های جدی را پیش رو دارد. «انقلاب الکترونیکی و انقلاب بصری دست در دست هم، هرچند به صورت ناهماهنگ به تهدیدی عظیم علیه زبان ادب و فرهنگ پرداخته است» (پست من، ۱۳۹۱: ۱۴۲) لذا ضروری مینماید با بهره‌گیری صحیح و استفاده بهینه از فناوری‌های جدید ارتباطی، نظیر اینترنت و از طریق ایجاد جذابیت در مطالب و مواد آموزشی، توانایی تولید اطلاعات را کسب کند و از این طریق، نه تنها در مواجهه با این فرایند رانده نشود، بلکه در متن و بطن تحولات جهانی نقش‌آفرینی کند. «استفاده از وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های الکترونیکی، شاید بتواند در پیشرفت اجتماعی فرد اثرگذار باشد، اما کودکان و نوجوانان را بی‌نیاز از امر خواندن و نوشتن نمی‌سازد» (کولودزیسکا، ۱۳۷۶: ۲۸۶). در این راستا چالش‌هایی هم در برابر

ادبیات قرار دارد که کودکان و نوجوانان را از ادبیات ویژه خوشان دور می‌سازد که در زیر به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۱-۱. تلفن همراه

اولین چالشی که در حوزه عدم توجه به ادبیات کودک و نوجوان باید مورد تأمل قرار گیرد، وجود وسیله ارتباطی تلفن همراه است. تلفن همراه باعث شده تا کودکان و نوجوانان با برقراری ارتباط دوستانه با این وسیله ارتباطی، از ادبیات دوره کودکی و نوجوانی غفلت ورزند.

ضررهای اخلاقی و جسمی تلفن همراه برای کودکان غیرقابل انکار است؛ و استفاده بی‌رویه از آن نه تنها باعث شکوفا شدن ذهن کودکان و نوجوانان نمی‌شود، بلکه باعث به وجود آمدن ضررهای مخربی است که جبران آن در آینده بسیار مشکل و حتی غیرقابل پیش‌بینی است. شیوع این وسیله ارتباطی تنها به محیط خانواده محدود نشده است بلکه در فضاهای آموزشی نیز راه‌یافته است و شیوع آن در مدارس باعث شده است تا کودکان و نوجوانان ما از ادبیاتی که مختص سنین آنان است فاصله بگیرند و به‌طرف ادبیاتی سوق داده شوند که از عرف و جامعه کودکی و جامعه آموزشی به دور است.

نکته دیگری که درباره تلفن همراه و رواج آن در بین اقشار کم سن و سال به احساس می‌شود، این است که بسیاری از فیلم‌های غیراخلاقی و پیام‌های نامناسب، از طریق تلفن همراه بین کودکان پخش می‌شود و این عمل نه تنها کودکان و نوجوانان را گرفتار یک بحران فکری روانی می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا آنان از جامعه آرمانی و ادبیات خود به‌کلی دور شوند و تحت تأثیر عوامل منفی قرار بگیرند. دسترسی آسان به سایت‌های غیراخلاقی از طریق تلفن همراه مشکل دیگری است که والدین و جامعه کنونی با آن روبه‌رو هستند.

مورد بعدی که می‌توان از آن به‌عنوان یک چالش دیگر در این حوزه نام برد، استفاده از نرم‌افزارهای نامناسب در این وسیله ارتباطی است. متأسفانه نرم‌افزارهایی که در دسترس کودکان و نوجوانان قرار دارد نه تنها مناسب نیستند، بلکه باعث شده تا کودکان و نوجوانان ما به‌جای پرداختن به امور عادی زندگی روزمره با آن سرگرم شوند از جمله این نرم‌افزارها می‌توان به بازیهای مخرب فکری مانند بازی

«کلش اف کلنز» (Clash of Clans) اشاره کرد که متأسفانه تمامی سنین را تحت تأثیر خود قرار داده است.

۲-۱. شبکه‌های اجتماعی

مورد دیگری که رسانه را مورد بازخواست قرار داده و ادبیات کودک و نوجوان را با چالشی بسیار جدی روبه‌رو کرده است بحث شبکه‌های اجتماعی است. این روزها شبکه‌های اجتماعی به پدیده‌ای مهم و پرطرفدار در میان تمامی سنین تبدیل شده و حتی کودکان و نوجوانان را نیز درگیر خود کرده است. شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص آن گروه از شبکه‌هایی که تداخل بارزی بافرهنگ و اندیشه و اخلاق و منش اجتماعی دارند، نه تنها اعتیاد و وابستگی بیمارگونه و آسیب‌زا ایجاد می‌کنند بلکه می‌توانند چارچوب روابط فردی و تکریم و احترام میان اعضای خانواده را متزلزل کرده یا حتی منجر به فروپاشی بسیاری از الگوهای حمایتی و روابط تعریف‌شده و هنجاری و قانونی باشند. کودکانی که با همکلاسی‌های خود گروه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام، واتس‌آپ و یا لاین تشکیل داده‌اند، کم نیستند و حتی می‌توان ردپای کاربران کم سن و سال را در شبکه‌های اجتماعی بزرگ‌تری همچون اینستاگرام و یا فیس‌بوک نیز مشاهده کرد. استفاده خارج از حد متعارف از اینترنت، به وابستگی شدید روانی و فکری می‌انجامد.

با ورود اینترنت و رایانه به درون خانواده‌ها، بین والدین، معلمان، مربیان و دانش‌آموزان (فرزندان) جدایی فکری و عاطفی، رخ می‌دهد و درصد بالایی از کودکان و نوجوانان از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای فعالیت‌های نه چندان سازنده و معقول نظیر دوست‌یابی، بازی و گفتگو با یکدیگر استفاده می‌کنند. هرچند حضور در شبکه‌های اجتماعی مختلف در قرن حاضر امری اجتناب‌ناپذیر است، اما می‌تواند در کنار محاسنی که برای کاربران خود به همراه دارد، مشکلاتی نیز برای آنان به وجود آورد و تبعات غیرقابل جبرانی برای تمام سنین و اقشار خاصه کودکان و نوجوانان داشته باشد. زیرا کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیرترین اعضای شبکه‌های اجتماعی هستند که مشکلات آن‌ها می‌تواند تأثیرات منفی زیادی را بر زندگی کنونی و آینده آنان داشته باشد؛ بزرگ‌ترین خطر در رابطه با حضور کودکان در شبکه‌های اجتماعی زمانی است که آن‌ها در این فضا با افرادی غریبه،

دوستی و مراوده آغاز می‌کنند و تا به این وسیله کمبودهای عاطفی و اخلاقی خود را که از خانواده شروع شده، جبران نمایند.

۳-۱. رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی بخش مهمی از زندگی روزمره‌ی کودکان را تشکیل می‌دهند و طبیعتاً برای بزرگ‌ترها نیز به همین گونه است. ابتدا چنین به نظر می‌آمد که پیشرفت رسانه‌های گروهی از جمله ماهواره، تلویزیون و ... پدیده‌ای کاملاً مطلوب و عاری از خطاست و برای تحقق دهکده جهانی، لازم و ضروری است، اما با مشکلاتی که به وجود آورده است. درست است که ماهواره و فناوری‌های جدید ارتباطی، سهم به سزایی در پیشرفت علم و رفاه انسانی دارند اما در تجربه کوتاه و چندین ساله معلوم شده است دارای برخی آسیب‌ها و پیامدهای منفی هستند.

امروزه کودکان از سن کم، با رسانه‌های گروهی بزرگ می‌شوند و دوران کودکی‌شان، یک «کودکی همراه با رسانه‌های گروهی» می‌باشد. والدین هم باید با این واقعیت کنار بیایند و به این ترتیب، مشخص می‌شود که آنان به تنهایی، نفوذی بر آنچه کودکان از طریق رسانه‌ها با آن مواجه می‌شوند، ندارند؛ زیرا به گفته بکاریا «جهان تلویزیون بیشتر دیداری است و با دنیای کتاب‌ها که بیشتر کلامی است، همسازی ندارد» (بکاریا، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

کودکان در خانواده، استفاده از رسانه‌های گروهی را به همان طریقی می‌آموزند که لباس بر تن کردن یا دندان شستن را یاد می‌گیرند. دقیقاً در مورد تماشای تلویزیون نیز عادات بعدی آنان، بستگی به چگونگی استفاده‌ی والدین، خواهران و برادران از آن دارد.

۴-۱. بازی‌های کامپیوتری

رایانه‌ها که امروزه تقریباً در زندگی انسان‌ها راه یافته‌اند، همچون دیگر ساخته‌های دست بشر، دوروی سکه دارند که یک روی آن، بهره‌گیری درست و مفید برای سرعت بخشی، دقت در کارها و کمک به پیش رفت امور است و روی دیگر آن، استفاده‌های نادرست و نابجا است که گاه، آسیب‌های فراوان را در پی دارد. در دنیای رایانه، آنچه بیش‌تر نوجوانان را شیفته خود می‌کند، همان چیزی است که به آن، «بازی‌های رایانه‌ای» می‌گویند. مهم‌ترین ویژگی بازی‌های رایانه‌ای، حالت جنگی و عملیات به

ظاهر جسور بیش تر آن هاست و این که فرد باید برای رسیدن به مرحله بعدی بازی، با نیروهای به اصطلاح دشمن بجنگند. استمرار چنین بازی هایی، نوجوان را پر خاش گر و ستیزه جو می سازد و تلاش می کند خواسته هایش را با زور و تهاجم به دست آورد. در این بازی ها، به دلیل این که بیش تر، کودک و نوجوان با ساخته ها و برنامه های دیگران روبه روست و کم تر قدرت دخالت و تصرف در آن ها را می یابد، حالت انفعال گرفته و اعتماد به نفس او در برابر ساخته ها و پیش رفت دیگران، متزلزل شود. به دلیل جاذبه مسحور کننده این بازی ها، نوجوانان و کودکان وقت بسیاری را صرف آن می کنند و در واقع، با مصرف انرژی عصبی و روانی خویش و با چشمان و ذهنی خسته به بستر می روند و گاه، صبح زودتر از وقت معمولی بیدار می شوند تا پیش از مدرسه نیز اندکی بازی کنند. بی تردید، این علاقه، سبب افت نیز تحصیلی خواهد شد. به جرات می توان گفت امروزه کمتر بچه ای به سراغ بازی های سنتی و محلی رفته و برای گذراندن وقت خود با دوستان در محله ها و پارکها بازی می کند.

۲. راهکارها

با توضیحات مختصری که درباره چالش رسانه ها و تأثیر آن بر کودکان و نوجوانان بیان شد، در این بحث به راهکارهایی می پردازیم که در آن نقش ادبیات و تأثیر آن بر کاهش این چالش ک مشخص است.

۲-۱. نقدی بر شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

هرچند انتقاد از شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان راهکار نمی تواند از آن نام برد اما کاستی هایی که در این مقوله داشته اند در عدم بهبود روابط کودک و نوجوان با ادبیات بی تأثیر نبوده است. شورای کتاب کودک در زمستان ۱۳۴۱ با همکاری عده ای از مربیان علاقه مند و متخصص کارش را آغاز کرد و به نشر و چاپ کتاب هایی در این زمینه اقدام نمود. در هر حال حاضر هر سال از محصولات و مجلات نوین خود رونمایی می کنند، در حالی که در آثار جدیدی که برای مخاطبان خود ارائه می دهند هیچ گونه تغییری نداده اند و به همان شیوه کلاسیک عمل می نمایند، حتی در این زمینه کمتر به کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت مسائل، کیفیت نگارش و حتی کیفیت تصویر توجه شده است. در اینجا لازم به یادآوری است که شاید به ظاهر اهمیت تصاویر از بقیه مزایا کم رنگ تر باشد، اما این در حالی است که متن کتاب کودکان را ساختمان ظاهری

کتاب به معرض نمایش می‌گذارد و این تصاویر و کیفیت بیان آن است که محتوای اصلی کتاب را برای کودکان بیان می‌کند؛ بنابراین با گسترش روزافزون وسایل نوین ارتباطی و تصویری، هنوز پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از دیگر ارگان‌های مربوط به ادبیات کودک و نوجوانان است که در سال ۱۳۴۵ به صورت مؤسسه‌ای نیمه دولتی و باهدف پرورش ذوقی کودکان از طریق مواد خواندنی تأسیس شد که وجود آن در جامعه کنونی زیاد احساس نمی‌شود. در حالی که این ارگان با به‌روزرسانی وسایل آموزشی و افزایش کارایی خود در آموزش کودکان و نوجوانان با بهره‌گیری از نیروهای متخصص می‌تواند نقشی اساسی در این زمینه ایفا کند و میزان ساعات آموزش خود را درباره پیوند ادبیات و کودک افزایش دهد و حتی در این زمینه به بررسی پایه‌های ادبیات کودک به تفحص و جستجو پردازد و راهکارهای مناسب را از بزرگسالان شروع کند. زیرا «یک انسان بالغ و متمدن در صورتی به هویت انسانی خود و الزامات جامعه مدنی پایبند و ملزم خواهد بود که ضرورت مراقبت و دقت در تربیت کودک را درک کرده و در انجام آن کوشا باشد» (پست من، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

۲-۲. کتابخانه‌ها

از دیگر نهادهایی که در این زمینه باید پاسخگو باشند، نهاد کتابخانه‌ها است. متأسفانه باوجود ترغیب و تشویق بعضی از خانواده‌ها مبنی بر استفاده کودکان و نوجوانان از کتابخانه‌ها، در بسیاری از کتابخانه‌ها هنوز مکان مشخصی که بتواند این اقشار کم سن و سال را به امر خواندن کتاب تشویق کند وجود ندارد و درجهایی که این امر به وقوع پیوسته، در حد بسیار ابتدایی و کلاسیک است. اقدام دیگری که در این حوزه ممکن است به ترغیب کودکان و نوجوانان به امر خواندن و روی آوردن به ادبیات ویژه خود مفید واقع شود، ایجاد یک برنامه منظم و مدون برای امر کتاب‌خوانی در کتابخانه‌ها توسط کتابداران محترم است. این افراد اگر با قدرت بیان و خلاقیت‌های فردی سعی در امر خواندن کتاب‌های مفید برای این قشر اجتماعی کنند، مسلماً در جذب کودکان و نوجوانان تأثیرگذار خواهد بود زیرا «کتاب خواندن کتابدار برای کودک یک‌بار در هفته و یا در ماه به منزله‌ی قطره‌ای است در ظرف بسیار بزرگ کودکان» (کولینان، ۱۳۸۲: ۳۹).

استفاده از مکانهای مخصوص کودکان و نوجوانان و ارائه جدیدترین نرم افزارهای ادبی و داستانها و فرهنگ لغت ها و.... به آشنایی کودکان و نوجوانان با ادبیات کمک شاین خواهد کرد. رساندن خدمات کتابخانه های عمومی کودکان باید به سطح استانداردهای بین المللی با پشتوانه قانونی و سرمایه گذاری های کلان فرهنگی انجام گیرد تا مهارت های لازم برای تقویت بنیه ادبیات کودک و نوجوان فراهم شود.

۳-۲. آموزش و پرورش

آشنایی کودکان با نوشتار، اولین قدم اساسی برای شناخت ادبیات است. اگر کودکان ما با زبان نوشتار و قواعد آن از همان دوران کودکی آشنا شوند، با ادبیات مأنوس خواهند شد. این امر جز با کمک آموزش و پرورش و شروع دوران پیش دبستانی محقق نخواهد شد. «در این راستا اختلافی که میان زبان گفتار و نوشتار است باید تا حدودی برطرف شود و دایره واژگانی را در این سنین محدود کنیم. در این میان روند خواندن باید باهدف ساختن تدریجی پایه های شناخت ادبیات متناسب با سن کودک و نیاز او انجام شود» (بهداد، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۹).

هدف اساسی تربیت یا آموزش و پرورش جز این نیست که کیفیت تعامل فرد را به صورت مطلوب درآورد؛ و چون این تعامل در فراخنای زندگی هر فرد وجود دارد و ضرورت زندگی است بنابراین، آموزش و پرورش، طبعاً، یک فرایند پیوسته و دائمی است و انسان هرگز از آن بی نیاز نبوده و نخواهد بود.

بنابراین، مدارس نیز همچون خانه و خانواده یکی از اصلی ترین ارکان تربیتی کودکان و نوجوانان به حساب می آیند، چراکه شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان در مدرسه شکل می گیرد؛ بنابراین مدارس و گروه همسالان می تواند نقش بسزایی در تربیت کودکان و نوجوانان داشته باشد. به همین دلیل استفاده درست از فضای مجازی و شبکه های تبادل اطلاعات همچون شبکه های اجتماعی نیز باید در مدارس آموزش داده شود چراکه در عصر حاضر فرهنگ استفاده از فناوری بسیار بااهمیت است. بنابراین می توان گفت استفاده تخصصی این نهاد از ظرفیت های موجود کارشناسان ادبیات، جذب مخاطبان ادبی را بهبود می بخشد. «برای تحقق چنین امری توجه به این نکات ضروری است: از درون زاینده باشد نه بیرون، مورد علاقه کودکان باشد، در محدوده تجارب کودکان باشد، کودکان

را فعال کند و فعال نگه دارند، همه جنبه های زندگی را در برگیرد و درنهایت قریحه و ذوق کودکان را برانگیزد» (شعاری نژاد، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۸).

در این راستا راهکارهایی که باید آموزش و پرورش به آن ها توجه کند را به اختصار بیان می کنیم.

۳-۲-۱. تغییر نوین منابع درسی

باوجود چند دهه که از انقلاب اسلامی می گذرد، وجود درسی به عنوان درس «پرورشی» که در مدارس تدریس می شود، متأسفانه آن انتظار که از آن می رفت، -باوجود دنیای مجازی که کودکان و نوجوانان که بیشتر درگیر آن هستند، چندان برآورده نشده است. اگر در مدارس ما استفاده صحیح از فضای مجازی و مدیریت آن در این درس گنجانده شود و در آن از انواع نرم افزارها و وسایل ارتباطی مرتبط استفاده کنند، نه تنها فضای مجازی را به عنوان یک مشکل نخواهیم داشت، بلکه کودکان و نوجوان را با ادبیاتی نوین اسلامی آشنا خواهیم ساخت. در این مورد برای نمونه می توان گفت نحوه استفاده از لغت نامه ها و توضیح و تبیین بازی هایی درسی نظیر هفت خوان رستم و ... بسیار نتیجه بخش خواهد بود و این امر جز با یاری معلم و از رهگذر ادبیات کودک و نوجوان مثمر ثمر نخواهد شد.

۳-۲-۲. وبلاگ نویسی ادبی

ادبیات کودک و نوجوان باید برای گسترش دامنه جذب مخاطبین خود، این امر را از آموزش و پرورش شروع کند، بدین صورت که کارشناسان ادبی حاذق در این رشته، از دانش آموزان، وبلاگ های ادبی با محتوای درس ادبیات به عنوان تکالیف درخواست کنند و در این مسیر راهنمایی های صحیح را انجام دهند.

۳-۲-۳. نشریه های الکترونیکی ادبی

نشریه های الکترونیکی ادبی، مورد دیگری است که می تواند یار ادبیات کودک و نوجوان باشد. در این حوزه آموزش و پرورش محیطی مناسب برای آموزش به کودکان و نوجوانان است. اگر ادبیات کودک و نوجوان وارد این حیطه شود و از دوران کودکی با درخواست تهیه چنین نشریه هایی، کودکان و نوجوانان را به این سمت، سوق دهند، درنتیجه کودکان و نوجوانان در آینده با آن انس خواهند

گرفت. تحقیق درباره ادبیات و داستان‌های شاهنامه و حتی تشویق مصور کردن داستان‌های آن و یا گلستان و بوستان سعدی و نیز کتاب‌های نظیر کلیله و دمنه و... نه تنها کودکان را به سمت وسوی ادبیات سوق خواهند داد، بلکه باعث شکوفایی و خلاقیت ذهن آنان بر انجام دیگر پروژه‌ها خواهد شد.

۳-۲. ادبیات کودک به عنوان حرفه‌ای مجزا

راهکار دیگری که ادبیات کودک و نوجوان را به سمت وسوی رشد متعالی سوق می‌دهد، ایجاد یک حرفه شغلی و تخصصی تحت عنوان «ادبیات کودک و نوجوان» است. در این عرصه اگر ادبیات کودک را به عنوان یک رشته‌ای مجزا و حرفه‌ای تقویت کنیم، وظیفه نویسندگان ما باید به صورت تخصصی ارائه شود و در نگارش کتب خود دقت عمل بیشتری به خرج دهند زیرا «کودک آن نیست که هست بلکه آن است که خواهد شد و در هر اثری که به کودک بدهیم سعی خواهد کرد که آن شود» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۲۶)؛ بنابراین افرادی که دارای تخصص در رشته ادبیات کودک و نوجوان هستند باید در بطن جامعه از آن‌ها به عنوان یک فرد کارآمد در این حوزه استفاده شود. متأسفانه در جامعه کنونی کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، از آن به عنوان یک حرفه یاد نمی‌کنند و چه بسا همین امر باعث شده است که نه تنها افراد صاحب نظر و متخصص در این زمینه در پی گسترش آن نباشند، بلکه سایر افراد نیز به صورت تفننی و اوقات فراغت و به صورت پراکنده به این عمل دست بزنند. در حالی که در کشورهای توسعه یافته چنان به اهمیت این خوشه شغلی واقف‌اند که شغلی به عنوان ادبیات کودک و نوجوان تأسیس کرده‌اند و افراد صاحب نظر و کارآمد تمام اوقات خود را صرف پیشرفت و تخصصی‌تر شدن ادبیات کودک کرده‌اند و همین امر باعث پیشرفت دیگر جوامع در این حوزه ادبیات شده است. این نکته را هم باید در نظر داشت که در کشور ما توجه نکردن به مقوله‌های فرهنگی در کشور ما از سوی متخصصان و مسئولان هم می‌تواند یکی دیگر از دلایل عدم رشد آن باشد. تمام این عوامل دست به دست هم داده و باعث شده تا ادبیات کودک و نوجوان از ریشه با مشکل جدی روبه‌رو شود که رفع آن سیاست‌گذاری‌های کلانی را می‌طلبد.

۴-۲. ایجاد نرم افزارهای ادبی

از دیگر راهکاری که می‌توان از آن برای رهایی از چالش رسانه در حوزه ادبیات سود جست، ساخت نرم افزارها و وسایل مرتبط با آن است. کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان باید به دنبال راهی برای



جذب این قشر آسیب پذیر باشند و با این واقعیت کنار بیایند که فضای مجازی جزئی از زندگی افراد محسوب می شود که برای بسیاری حتی رهایی از آن میسر نیست. صاحب نظران ادبیات و کارشناسان این حوزه به همراه تألیف کتاب های داستانی و روی آوردن به شیوه های کلاسیک در پی تهیه داستان هایی در قالب مجازی و استفاده از نرم افزارهای مرتبط باشند. قبل از اقدام به چنین عملی بهتر است که کودکان و نوجوانان ما از سواد اطلاعاتی کافی در این زمینه بهره ببرند. « سواد اطلاعاتی به معنای توانایی یافتن، پروردن و استفاده مؤثر و مفید از اطلاعات مربوطه است». (فورد، ۱۳۷۴: ۲۲۹).

در ادامه باید گفت که استفاده از کتاب های مصور مجازی و نشر آن در فضای مجازی، کمک شایانی به این امر خواهد کرد. کسانی که در این حیطه تخصص دارند باید از اصحاب ادبیات استفاده کنند و با تخصصی که افراد ادبی دارند به دنبال ساخت انواع داستان ها و بازی های رایانه ای باشند و کودکان را به این سمت و سو سوق دهند. در این راستا ادبیات کودک و نوجوان بسیار مفید و مثر ثمر خواهد بود، چراکه ادبیات کودک و نوجوان گونه های متنوعی دارد؛ از داستان های مصور گرفته تا داستان های فانتزی که امروزه از رایج ترین گونه ها در این حوزه است. شعر و ادبیات منظوم نیز بخش گسترده ای از ادبیات کودکان و نوجوانان را می سازد. همچنین افسانه های کهن، گونه ای گسترده است که به فراوانی باید در اختیار این کودکان و نوجوانان قرار گیرد. ادبیات در زمینه های مذکور خود می تواند کلید حل این مشکلات باشد، برای نمونه می توان گفت که کتاب شاهنامه بزرگ مرد توس به تنهایی می تواند در این حوزه حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد. در داستان های شاهنامه نبردهای مثبتی به چشم می خورد که م می توان از آن بازی هایی رایانه ای مناسبی برای کودکان و نوجوانان ساخت از جمله هفت خوان رستم و اسفندیار و نبرد با دیوها که یک احساس مثبتی را در کودکان به وجود خواهد آورد. «زیرا وجود چنین داستان هایی به کودک می فهماند که پیکار بر ضد مشکلات و مصائب زندگی اجتناب ناپذیر است و این پیکارها جز ذات طبیعی هستی آدمی است و اگر بر موانع غلبه کند پیروز خواهد شد» (بتلهایم، ۱۳۸۹: ۱۷)

این نکته در خور تأمل است که اغلب متون نظری ادبیات کودک و نوجوان سرزمین ما از این نکته غفلت ورزیده و این ادبیات را صرفاً «نوشته ها و سروده هایی» دانسته اند که ارزش ادبی یا هنری دارند و برای کودکان و نوجوانان پدید می آیند. از این منظر، ادبیات کودک تنها به ادبیاتی منحصر شده است که آگاهانه و با قصد قبلی برای کودکان و نوجوانان نوشته می شود درحالی که در دنیای کنونی

عدم توجه کودکان و نوجوانان به ادبیات مکتوب کاملاً آشکار است و نیازمند یک راه حل جدی از طرف صاحبان ادبیات است.

۲-۵. الگوسازی

یکی از روش‌های دیگری که می‌تواند بر استفاده درست کودکان و نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی مؤثر باشد، الگوسازی‌های مناسب است. والدین می‌توانند بهترین الگو برای فرزندان باشند وقتی والدین به‌درستی و بیش‌ازحد از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، نمی‌توانند الگوی مناسبی برای کودکان و نوجوانان باشند.

زمانی که والدین از ادبیات و داستان‌های آن در فضای مجازی استقبال کنند، بی‌شک کودکان و نوجوانان نیز تحت تأثیر قرار خواهند گرفت و اینجاست که کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان باید در جهت تبیین و جذب بزرگسالان نیز گامی اساسی بردارند. وظیفه ادبیات در دنیای مجازی و پیشرفته کنونی بسیار سنگین‌تر از گذشته است و باید با هر راهکاری که می‌توانند سعی در جذب مخاطبین بزرگسال کنند و ادبیات خود را از گونه نوشتاری وارد دنیای مجازی و نوین امروزی کنند تا با جذب والدین، اولین گام اساسی را در جهت نیل به این هدف مهم بردارند. اگر کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان بتوانند داستان‌هایی را در قالب نرم‌افزار برای بزرگسالان با محتوای کودکانه ایجاد کنند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. چراکه ما در حوزه ادبیات کودک و نوجوان با دودسته از داستان‌ها روبه‌رو هستیم: دسته اول داستان‌هایی با محتوای کودکانه که دارای ابعاد و دامنه گسترده‌ای از واژگان است و بزرگسالان با خواندن آن برای کودکان خود نیز از آن لذت می‌برند، اما در عین حال در این حوزه باید به گفته لاریک پایبند بود که می‌گوید: «هدف از نوشتن کتاب برای کودکان نباید طوری باشد که انتخاب محتوای آن و آنچه به او ارائه می‌دهیم پسند بزرگ‌ترها باشد و به‌قصد شکل دادن به بچه‌ها جهت بندگی بزرگسالان و قبولاندن پسند آن‌ها انتخاب‌شده باشد» (لاریک، ۱۳۸۰: ۷). بلکه برای کودکان و به خاطر آنان باشد. دسته دیگر داستان‌هایی است که مخصوص کودکان و در قالب واژه‌های کم دامنه است که با ایجاد بستر مناسب برای گروه اول، دسته دوم نیز خودبه‌خود به این گرایش جذب خواهند شد. با تحقق چنین عملی که ادبیات انجام دهد، تعاملی میان والدین و کودکان برقرار می‌شود که تأثیر آن در آینده به‌وضوح مشخص خواهد بود. البته

به گفته هافمن نویسندگان در این حیطه باید «تصورات خود را آزاد کنند و با چشم کودکی خویش کودکان را کشف کنند» (هافمن، ۱۳۷۲: ۷۳).

۲-۶. استفاده صحیح ادبیات کودک و نوجوان از نوشتار ادبی

کودک نوآموز تنها می‌تواند متن‌های ساده را بخواند و بفهمد. هرچه سواد او بیشتر می‌شود، متن‌هایی با دایره واژگانی گسترده‌تر را درک می‌کند. کودکانی که به مرز نوجوانی و پس از آن می‌رسند می‌توانند رمان‌های متناسب با نیازهای خود را مطالعه کنند و اینجاست که ادبیات نقش خود را باید به‌خوبی ایفا کند. ادبیات کودک و نوجوان باید به دنبال واژگانی باشد که برای مخاطب کم سن و سال قابل فهم باشد و این اصلی مهم در جهت برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان است. کارشناسان ادبیات باید دایره واژگانی خود را به حدی محدود کنند که برای این اقشار آسیب‌پذیر قابل فهم باشد و آن‌ها را در قالب بازی‌های فکری و رایانه‌ای تهیه نمایند تا مخاطب خود را از وابسته شدن به شبکه‌های اجتماعی دور سازند.

۲-۷. بازسازی و بازنویسی داستان‌ها و قصه‌های قدیمی

بحثی که در این زمینه می‌تواند به ما کمک کند و ما را با ادبیات داستانی کودک و نوجوان انس دهد، بازنویسی و بازآفرینی متون کهن به‌صورت نرم‌افزار و کتاب‌های الکترونیکی است؛ زیرا «دسته‌ای از افسانه‌ها و قصه‌های از پیشینیان به یادگار مانده و تنها در سینه‌ها محفوظ است» (هدایت، ۱۳۴۶: ۲۹۶). هرچه در بررسی ادبیات کودک به قصه‌های کهن و قدیمی‌تر نزدیک می‌شویم، می‌بینیم که از ساخت و درون‌مایه‌هایی قدرتمندتر برخوردارند. قصه‌های سمک عیار، امیر ارسلان نامدار، قصه حسین کرد شبستری و حتی قصه‌هایی که در کتاب مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه و یا حکایت‌های آموزنده‌ای که در کتاب گلستان به چشم می‌خورد از آن جمله است که از ساخت و محتوایی قوی و جذاب برخوردار هستند. بازنویسی قصه‌ها و داستان‌ها تنها به اینجا ختم نمی‌شود بلکه وجود ادبیات و قصه‌های کوتاه و بلند که در مقوله ادبیات شفاهی وجود دارد، نشان‌دهنده ادبیات گرانسنگ شفاهی جامعه ما است. بازسازی و تبیین آن‌ها در جذب مخاطبین کودک و نوجوان بسیار ارزشمند است؛ اما هر چه زمان به جلو می‌آید، قصه‌نویسی و داستان‌نویسی ما به‌جای تکامل محتوایی و سیر صعودی، دچار رکود و سیر نزولی می‌شود. این تزلزل در ادبیات کودک و نوجوان نمود بیشتری پیدا کرده است.

حال که ما نتوانسته‌ایم قصه و داستان را دچار تحول کنیم، بهتر است داستان‌های کهنه و قدیمی را با شیوه و ساخت جدید وارد دنیای کودکان و نوجوانان کنیم و مخاطبان خود را در این زمینه افزایش دهیم. چنین راهکاری می‌تواند از طریق ساخت نرم‌افزارهای ادبی و ساختن بازی‌های آموزشی می‌تواند نتیجه‌ای قابل قبول داشته باشد.

نتیجه‌گیری

ادبیات کودک و نوجوان از مفاهیم کلیدی و پایه‌ای هر جامعه محسوب می‌شود و صاحب‌نظران را با راهکارهای متفاوتی برای جذب کودکان و نوجوانان به ادبیات موجود در جامعه، روبه‌رو کرده است. در این میان چالش‌هایی نظیر تلفن همراه، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و نظایر این‌ها به چشم می‌خورد که دنیای کودکان و نوجوانان را متأثر کرده است. در این میان ادبیات کودک و نوجوان در جذب و توجه مخاطبان خود و رهایی از چالش‌های نام‌برده، نقش اساسی را ایفا می‌کند. افزون بر این آموزش کودکان از دوران ابتدایی و آشنا سازی آنان با ادبیات و الگوپذیری کودکان و نوجوانان از والدین باعث شده است تا آن را به‌عنوان راهکاری مناسب در جهت نیل به این هدف بدانیم. تهیه و استفاده از نرم‌افزارهای ادبی از دیگر راهکارهایی است که می‌تواند در جذب بیشتر این مخاطبان کم سن و سال نقش عمده‌ای ایفا کند؛ بنابراین بهترین راه برای جلوگیری از چالش‌های موجود بر سر راه ادبیات کودک و نوجوان، وجود راهکارهای مناسب و قدم برداشتن در به اجرا آمدن مناسب آنها است. بنابراین بهتر است در این راستا ابتدا چالش‌های موجود بر سر راه برداشته شود و آنگاه با پرداختن و عملی کردن راهکارهایی مناسب، سعی در جذب و توجه کودکان و نوجوانان به ادبیات ویژه آنان کنیم.

منابع

۱. افلاطون. (۱۳۹۳/ چاپ چهاردهم). **جمهور**، ترجمه فواد روحانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۲. امین پور، قیصر. (۱۳۷۴). «شعر همچون بازگشت به کودکی». **پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان**. شماره سه. تابستان. صص ۸-۴۹.

۳. بتلهایم، برونو. (۱۳۸۹ / چاپ اول). کاربردهای افسون. ترجمه کاظم شیوا رضوی. تهران: داستان.
۴. بهداد، بهاره. (۱۳۸۹ / چاپ دوم). ادبیات کودک. تهران: انتشارات سوره مهر.
۵. پست من، نیل. (۱۳۹۱ / چاپ چهارم). نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی. ترجمه و اقتباس: صادق طباطبایی. تهران: نشر اطلاعات.
۶. شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۴ / چاپ بیست و سوم). ادبیات کودکان، تهران: نشر اطلاعات.
۷. -----، (۱۳۷۵ / چاپ سوم). مبانی روان‌شناختی تربیت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. فروغی، محمدعلی. (۱۳۹۵ / چاپ ششم). سیر حکمت در اروپا، تهران: نشر نیلوفر.
۹. فورد، باربارا. (۱۳۷۴). «سواد اطلاعاتی به عنوان یک مانع». گزیده مقالات ایفلا. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی. ص ۲۲۴-۲۳۴.
۱۰. کاشفی خوانساری، سیدعلی. (۱۳۸۰ / چاپ اول). چندمقاله دربارهٔ مسائل مطبوعات کودک و نوجوان، تهران: سروش.
۱۱. کولینان، برنیس آ. (۱۳۸۲ / چاپ اول). برایم بخوان. ترجمه فاطمه امین ناصری. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۱۲. کلودژیسکا، جادویگا. (۱۳۷۲). «کتابخانه در نظام آموزشی، آموزش و پرورش به عنوان کیفیت». ایفلا، ۹۶. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی. ص ۲۸۶-۲۸۷.
۱۳. کیانوش، محمود. (۱۳۵۲ / چاپ اول). شعر کودک در ایران. تهران: نشر آگاه.
۱۴. لاریک، نانس. (۱۳۸۰ / چاپ پنجم). چگونه بچه‌هایمان را به مطالعه تشویق کنیم. ترجمه مهین مهتاج. تهران: کانون پرورش فکری.
۱۵. محمدی، محمدهادی و زهره قایینی. (۱۳۸۱ / چاپ اول). تاریخ ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران: نشر چیستا.
۱۶. میرهادی، توران. (۱۳۷۳). ادبیات کودکان و نوجوانان. تهران: فرهنگنامه کودکان و نوجوانان.

۱۷. هافمن، اوتا (۱۳۷۲). «آینده کتابهای کودکان». کودکان و دنیای کتابهای کودکان؛ انجمن

اولیا و مربیان. صص ۷۰-۷۴.

۱۸. هدایت، صادق (۱۳۴۶ / چاپ دوم). نوشته‌های پراکنده: اوسانه. تهران: امیر کبیر.

19. Erwin, Clarissa. (1983). "**Approaches to children's literature: A multipurpose**

collection" . *Reference Services Review*. (summer): P.P. 67-71

20. Dewey, J. (1916). **Democracy and Education**, USA: Macmillan Company.